

قتل میتر استاد و حاشیه ها

قتل میتر استاد توسط محمد علی نجفی شهردار سابق تهران و یکی از اصلاح طلبان شناسنامه دار از دو روز گذشته در صدر اخبار کشور قرار گرفته است.

اتفاقی که روی داد و یکی از سیاستمداران برجسته، همسر دوم خود را با شلیک 5 گلوله به قتل رساند دردآور است و قابل بررسی. بهره برداری های حاشیه ای از اتفاقی که افتاده چندان مطلوب به نظر نمی رسد اما چگونگی برخورد با این مسئله نیز جای سؤال دارد. عده ای در تلاش هستند که به نوعی این عمل و اقدام نجفی را به اصلاح طلبان ربط بدهند و آن را وسیله ای برای کوبیدن هرچه بیشتر آن جناح استفاده کنند. در مقابل اصلاح طلبان نیز بازی با کلمات را از اولین ساعات پخش خبر قتل آغاز کرده و موضعگیری آشکار در قبال حرکت زشت و اقدام ناپسند نداشته اند.

در فضای مجازی سینه چاکان اصلاحات و سربازان پیاده نظام این جناح مأموریت یافته اند که به نوعی کار نجفی را توجیه کنند و با متوسل شدن به برخی از روایات و نقل و قول ها و رفتارها نجفی را تبرئه کرده و همه کاسه کوزه ها را بر سر مقتول بشکنند.

نه آن اقدام و دامن زدن به بحث قتل و مرتبط کردن آن با اصلاح طلبان می تواند مقبول باشد و نه تلاش گسترده کسانی که در اندیشه تبرئه نجفی بوده و می خواهند با جار و جنجال و دنبال هم کردن قصه های تکراری، همسر نجفی را عامل تحریک قتل معرفی نمایند.

قتلی که افتاده واقعیتی است که کتمان آن امکان پذیر نیست. شجاع آن کسی است که توان و قدرت رویارویی با واقعیت را داشته باشد. واقعیت چیزی فراتر از ادعا و شعار و تملق است.

در سرپوش گذاشتن به واقعیت ها و وارونه جلوه دادن حقایق تلاش نکنیم و همه چیز را از زاویه انحصار طلبی و جناح بازی نگاه ننماییم. اگر لباس ما خاکی شود و اگر دود سیاه بر چهره ما بنشیند که نمی توانیم انکار کنیم. عملی که نجفی به آن دست زده است قابل توجیه نیست. سعی نکنیم واقعیت ها را فدای مناسبات سیاسی و مرزبندی های جناحی و گروهی نمائیم.